

THE NEW YORK TIMES BEST-SELLING CLASSIC

"THE LONG HALLOWEEN is more than a comic book. It's an epic tragedy."

— Christopher Nolan (director *The Dark Knight Rises*)

«بتمن: هالووین طولانی»

تنظیم و بازنویسی: سید محمدعلی شیخ الاسلام نوری

(قسمت چهارم)

BATMAN THE LONG HALLOWEEN



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

MRTsoft

«بتمن: هالووین طولانی»



نویسنده: جف لوب

طراح: تیم سیل

1997

تنظیم و بازنویسی: سید محمدعلی شیخ الاسلام نوری

(قسمت چهارم)

هالووین طولانی بیش از یک کتاب کمیک است. این یک تراژدی حماسی است.

کریستوفر نولان، کارگردان سه‌گانه شوالیه تاریکی



جوکر: چی؟!



بتمن: چرا داری افراد فالکونی رو می کشی؟!



جوکر: فکر می کنی من قاتل تعطیلاتم؟!



جوکر: اوہ، جون دل! تو خیلی احمقی!



شرت







جوکر: البته که من قاتل تعطیلات نیستم، وگرنه چرا الان باید برم که بکشمش؟!

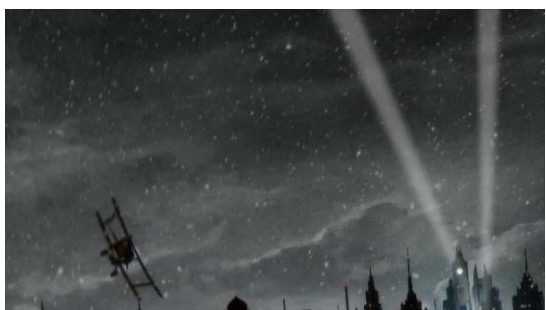
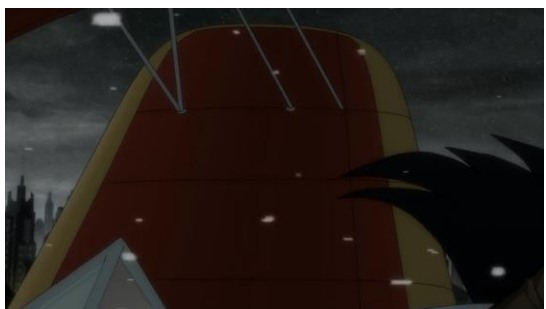


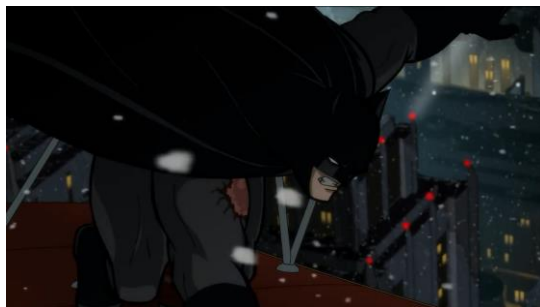
بتمن: مگه می‌دونی اون کیه؟!



جوکر: اون رقیبمه و مثل دونه‌های پاپ‌کرن که همیشه می‌گن من دومی نمیشم!







بتمن: اگه تو دنبال قاتل تعطیلاتی، چرا می‌خوای روی مردم گاز سمی بپاشی!!



جوکر: نصف شهر اینجاست، که این یعنی اونم اینجاست!



جوکر: اگه هم نباشه، تنها چیزی که از دست میدم، یه عالمه آدم بی‌گناهه!



جو کر: ہاهاہاہاہاہاہاہا





جوکر: اوہ، چقدر جدی!



بتمن: تو می دونی کی قاتلہ؟!



جوکر: تو یه احمق دوست داشتنی هستی، هنوز نتونستی حلش کنی؟!



جوکر: من و تو شبیه اونیم، معما دوست داریم!



بروس وین: ممکنه کس دیگه‌ای هم باشه...



بروس وین: کسی که حتی فکرش هم نمی‌کنیم!



جوکر: خب، می‌خوای برای عید روبوسی کنیم؟!



شتلق

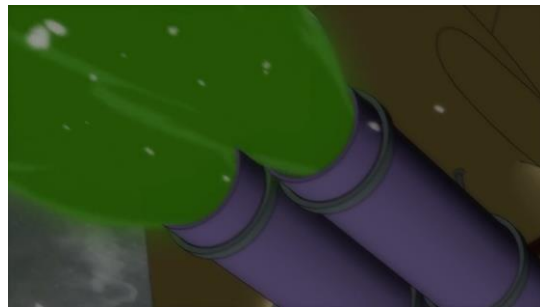


بتمن: آه!





جوکر: هاهاهاهاهاهاهاهاهاهاهاها



هووووووووووش





جوکر: تو جیگر کشتن منو نداری!



شترق







هوووپ





شلللیپپپ





جوکر: همیشه گند اخلاقی!





سلينا كاييل: ألبرتو، خوبی؟





سلینا کایل: من سلینا هستم...



سلینا کایل: میشه یه سوالی ازت بپرسم؟



سلینا کایل: می‌خوام بدونم مهم شدن توی اینجا چطوره...



آلبرتو فالکونی: من نمی دونم!



آلبرتو فالکونی: جناب خانواده دوست، قبل از اینکه بتونم روی پاهام وایسم منو فرستاد آکادمی شبانه روزی...



آلبرتو فالکونی: که عالی بود، اینجا برای من ساخته نشده بود...



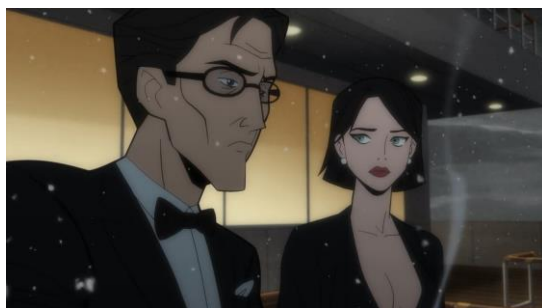
آلبرتو فالکونی: فارغ التحصیل آکسفوردم، کسی هستم که درباره تجارت خیلی بیشتر...



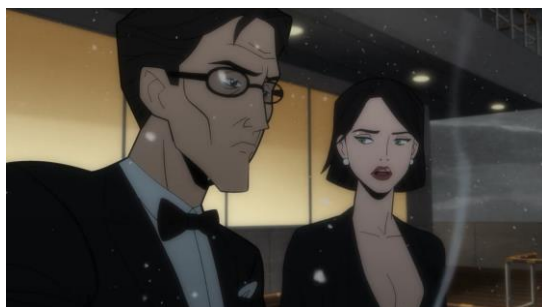
آلبرتو فالکونی: از پدرم که سعی می‌کنه بفهمه چیه، می‌فهمه...



سلینا کایل: پس چرا هیچ ارزشی براشون نداری؟



آلبرتو فالکونی: چون من ضعیفم، من عاشق شدم...



سلینا کایل: این نشانه ضعفه؟!



آلبرتو فالکونی: اون دختر اشتباهی بود، مایع آبروریزی خانواده و برای پدرخوانده...



آلبرتو فالکونی: اون موقع امر و نهی کردن بزرگترین رئیس مافیای گاتهام برام خیلی اهمیت داشت...



سلینا کایل: سر اون دختر چی اومد؟



آلبرتو فالکونی: بلای خیلی بدی...



آلبرتو فالکونی: من اجازه دادم عشقم رو از من دور کنن...



آلبرتو فالکونی: این نشون میده که من واقعا ضعیفم!



آلبرتو فالکونی: یه ضعیف مایه ننگ!



سلینا کایل: ببخشید، نمی خواستم که...



آلبرتو فالکونی: نمی دونم چرا حس می کنم می تونم باهات راحت صحبت کنم!



سلینا کایل: خب، من می دونی من



آلبرتو فالکونی: تو رو خدا برای من فرستاده..



سلینا کایل: نه نه، اینکار رو نکن!



آلبرتو فالکونی: معذرت می‌خواهم، فقط می‌خواستم...



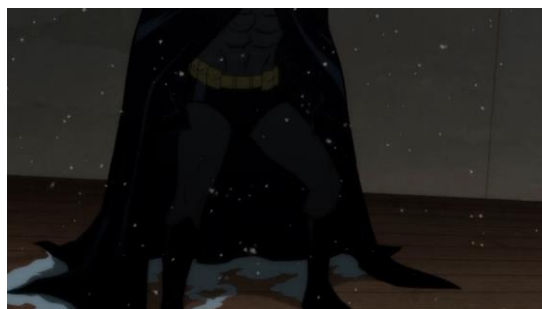
سلینا کایل: نه، تو نمی‌دونی...



سلینا کایل: نمی‌تونیم، ما نمی‌تونیم همدیگه رو ببوسیم، چون...



بتمن: پسر فالکونی رو به من ترجیح دادی؟!



سلینا کایل: بروس!؟





آلبرتو فالکونی: صبر کن ببینم، بروس؟! بروس وین، بتمنه؟!



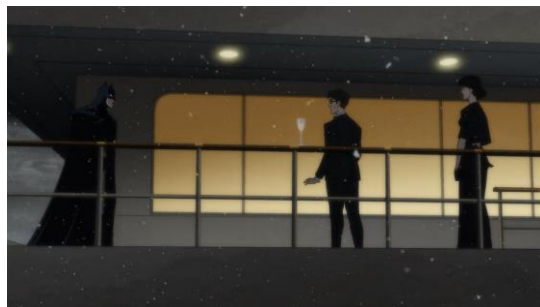
بتمن: و آلبرتو فالکونی، قاتل تعطیلاته، غافلگیر شدم...



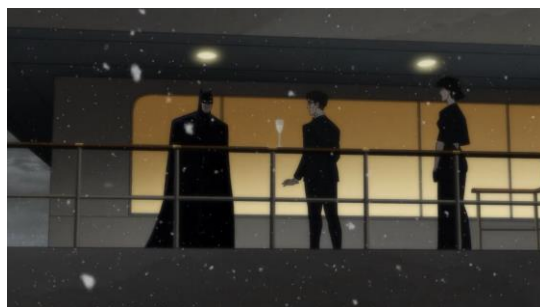
آلبرتو فالکونی: من؟! داری اشتباه می کنی بروس...



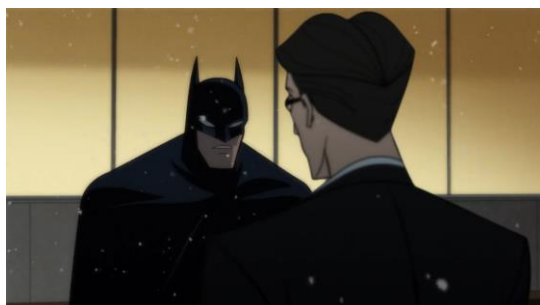
بتمن: من معمات رو حل کردم...



بتمن: پسری طرد شده که اومده امپراطوری رو به ارث ببره، ولی کنارش زدن...



آلبرتو فالكونی: تو اشتباه می کنی!



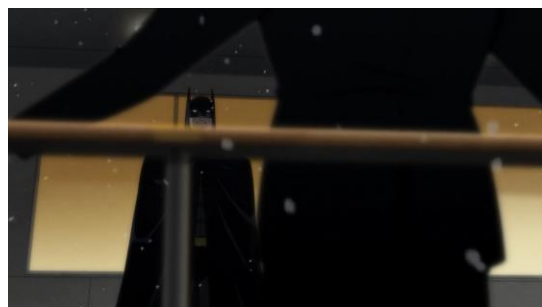
بتمن: می دونستی که هیچوقت به اون جایگاه نمیرسی...



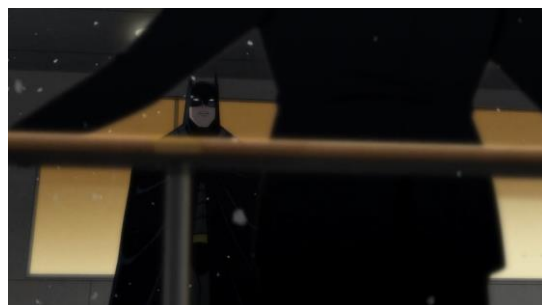
بتمن: برای همین یه بحرانی رو کلید زدی که تجارت خانواده رو هدف قرار بده...



آلبرتو فالكونی: می فهمی چی میگی!؟



بتمن: با حذف کله گنده های خانواده، کارماین مجبور میشه بقیه رو دور خودش جمع کنه...



بتمن: اینطوری برای اولین بار، تو هم می تونی یکی از اونا باشی...



آلبرتو فالكونی: من نمی خوام امپراطوری رو کنترل کنم، هیچوقت نمی خواستم!



آلبرتو فالکونی: من به زندگی عادی خودم راضیم، تا باقی عمرم رو بیرون گاتهام باشم...



آلبرتو فالکونی: ازدواج کنم، بچه داشته باشم...



بنگ بنگ



بنگ



بنگ



بنگ بنگ



بنگ



سلینا کایل: خدای من!



بنگ



بنگ





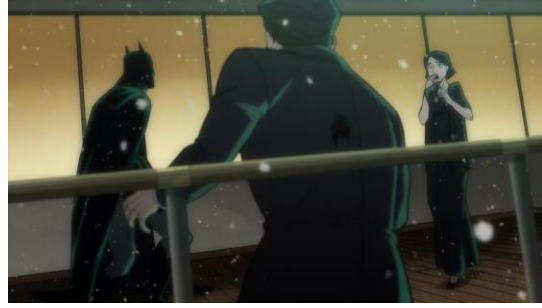
تررق



بنگ بنگ



آلبرتو فالکونی: اون اینجاست...



بنگ بنگ بنگ



بنگ

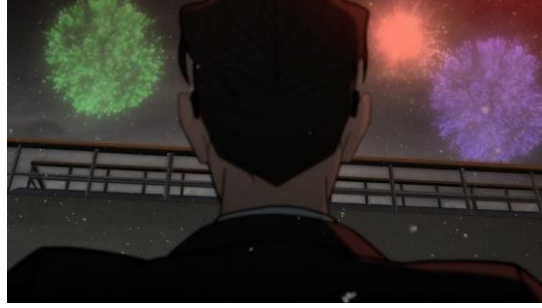


بنگ بنگ



بنگ بنگ





بنگ بنگ بنگ



بنگ بنگ بنگ بنگ



سلینا کایل: آلبرتو!





بنگ بنگ



بنگ بنگ



بنگ بنگ





بنگ بنگ



بنگ بنگ



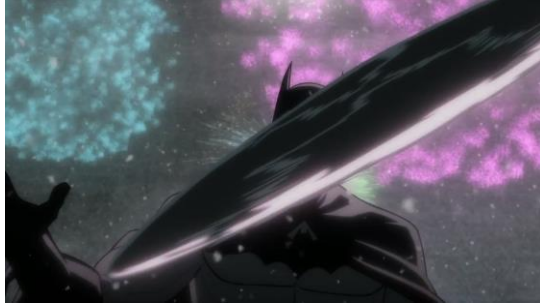
بَنگ بَنگ



بَنگ بَنگ بَنگ



بَنگ بَنگ بَنگ



هوووج



تق



بنگ بنگ بنگ



تق



بنگ بنگ



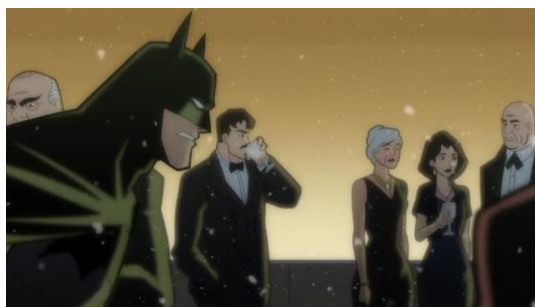
بنگ



بنگ بنگ بنگ



مهمانان: چه خبر شده؟!



بنگ





بنگ بنگ



بنگ



بنگ بنگ بنگ



بنگ



بنگ بنگ



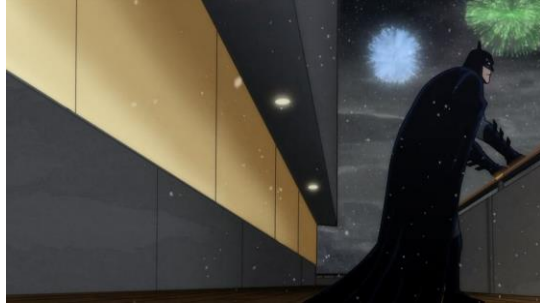
بنگ بنگ



بنگ بنگ بنگ



بنگ



بنگ بنگ





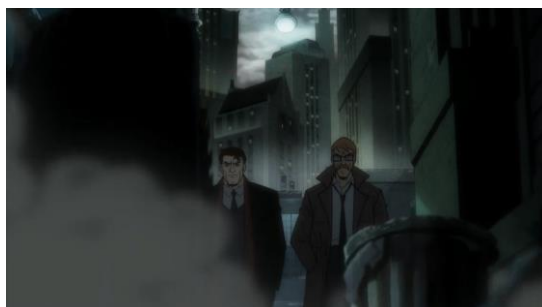
سلینا کایل: اونجا رو...



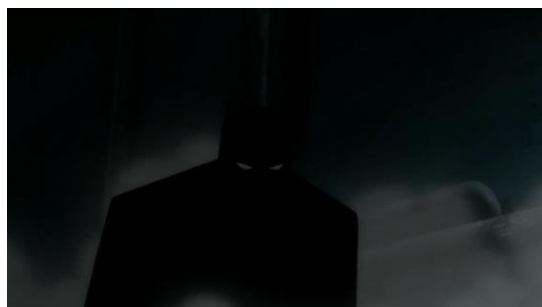


جیمز گوردون: زودباش!





بتمن: آقایون!



هاروی دنت: غواص‌ها باید تا چند روز توی آب دنبال بقایای بدن آلبرتو بگردن...



جیمز گوردون: پنج تیغه با کمترین سرعت، خیلی دردناکه!



بتمن: قبل از اینکه بیفته توی آب، مرده بود...



بتمن: قاتل تعطیلات بهش شلیک کرد، چندین گلوله!



جیمز گوردون: صبر کن، یعنی آلبرتو قاتل نبود؟!



بتمن: نه!



بتمن: رفتم سراغش، چون یقین داشتم خودش قاتله، جوکر هم اینطور فکر می کرد...



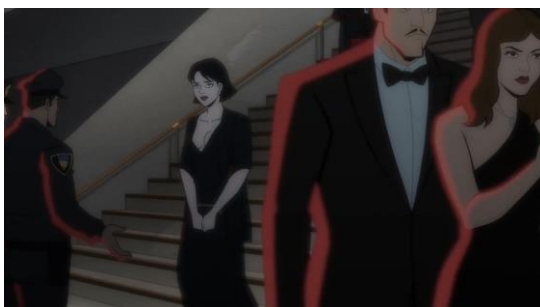
بتمن: فکر کردم باید جلوشو بگیرم...



بتمن: اما باید نجاتش می دادم...



بتمن: اون بی گناه بود، و الان مرده...



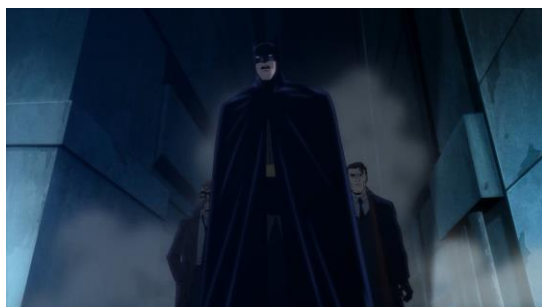
بتمن: اشتباه من بود...



بتمن: ولی دیگه اشتباه کردن کافیه...



بتمن: باید برای قاتل دام پهن کنیم...



بتمن: جیم، برای کارماین فالكونی محافظ بزار...



بتمن: لازمه قاتل رو محدود کنیم!



هاروی دنت: ممکنه مخالفت کنه...



هاروی دنت: می‌دونین که ما همه تلامشون این بود که فالكونی رو زمین بزنیم...



هاروی دنت: و الان می‌خوایم نجاتش بدیم؟! چه اتفاقی افتاده؟



جیمز گوردون: سوال بهتری دارم، اگه آلبرتو قاتل نبود، پس قاتل کیه؟!



بتمن: فقط وقتی می‌تونیم بفهمیم که قربانی بعدیش رو شناسایی کنیم...



بتمن: ولی می‌گیرمش، به خدا قسم که می‌گیرمش!



کشیش: باشد که خداوند او را غرق آرامش کند تا روزی که به اذن او برخیزد...



کشیش: چرا که او رستاخیز و زندگیت، و آن هنگام با خالقش روبه‌رو خواهد شد...



کشیش: آمین!



کارماین فالکونی: بروس...



بروس وین: آقای فالكونی، اگه كاری هست كه بتونم براتون انجامش بدم...



كارماین فالكونی: می دونی كه ازت چی می خوام و یه بار درخواستم رو رد كردی...



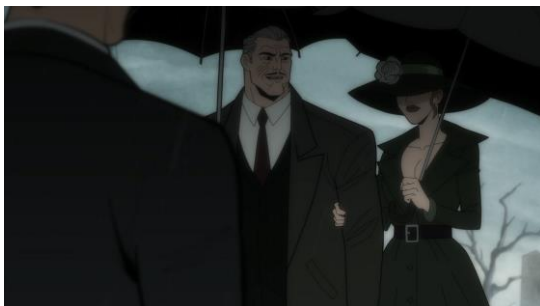
بروس وین: بنیاد وین جایی برای پول شویی نیست...



بروس وین: و تا وقتی من هستم، نمی تونه باشه!



کارماین فالکونی: البته!



کارماین فالکونی: آه، راستی هنوز همکارم رو معرفی نکردم...





بروس وین: خوشبختم!





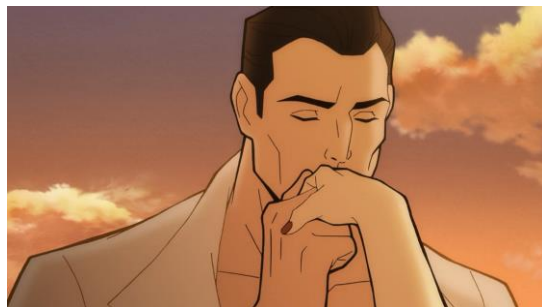
بروس وین: تو؟!



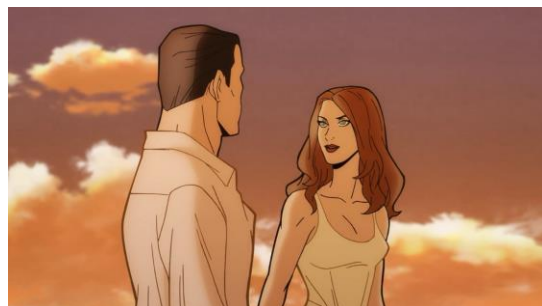
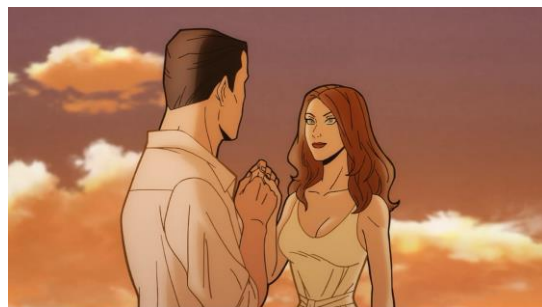
بروس وین: بانوی من!







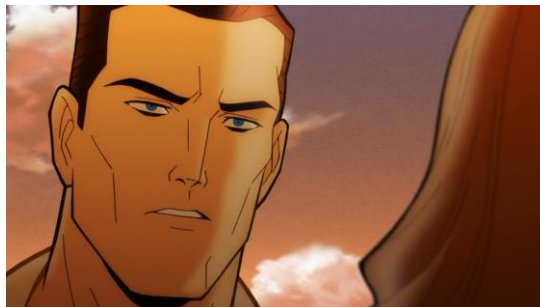
بروس وین: کاش این رویا هیچوقت تموم نشه، بانوی من!



آیوی زهرا آگین: همه چیز یه روزی تموم میشه، بروس!



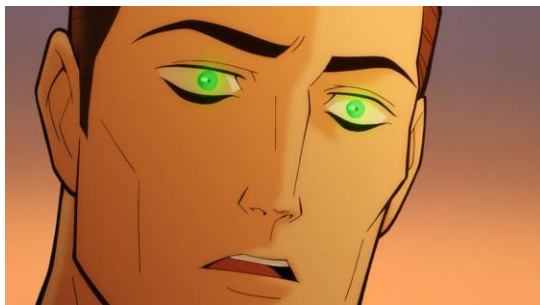
آیوی زهرآگین: ولی اگه خوش شانس باشیم، فعلا این اتفاق نمی‌افته، نه اگه تو بچه خوبی باشی...



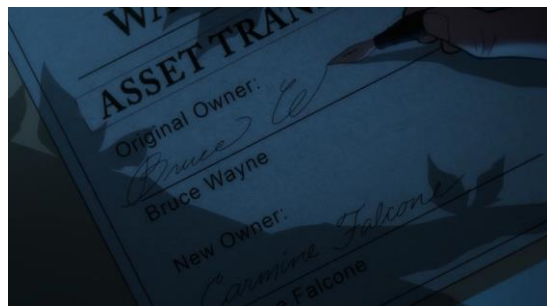
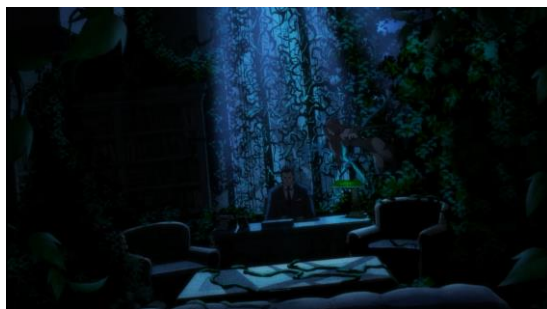
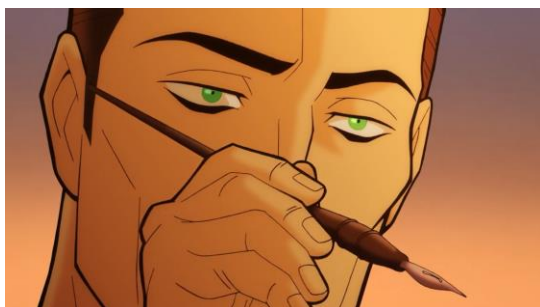
بروس وین: این چیه؟!



آیوی زهرآگین: مگه نمی‌خوای با هم باشیم؟!



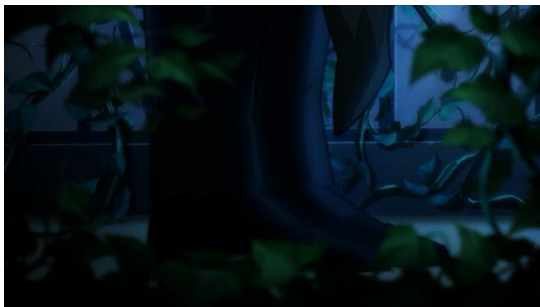
بروس وین: چیزی جز این نمی‌خوام!





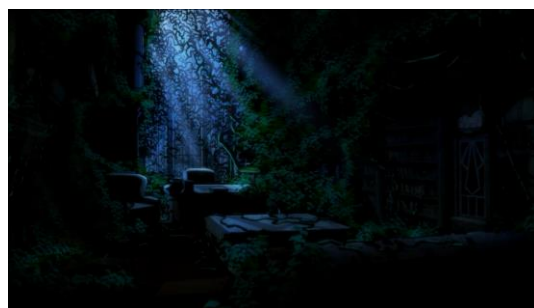
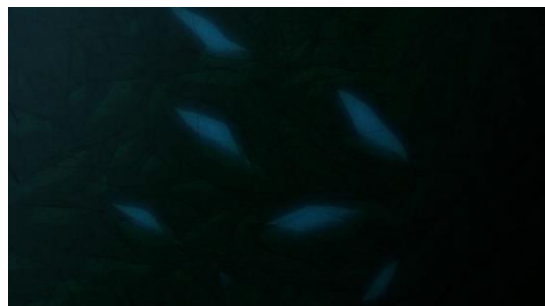


بروس وین: نمی‌تونم در برابر شما مقاومت کنم، بانوی من!



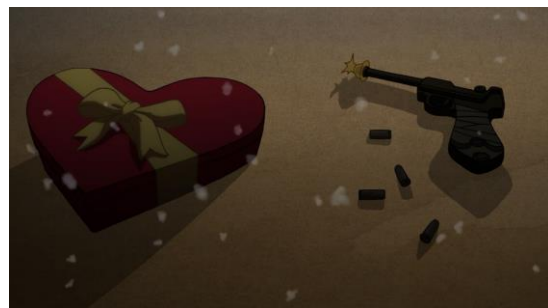


آیوی زهرآگین: هیچ مردی نمی‌تونه!





سالواتور مارونی: اون سراغ ما هم اومده!





هاروی دنت: عجیبه، یک هفته است که خبری ازش نیست...



دو ماه بعد...





کارماین فالکونی: بازم تا دم در خونه من اومده...





یک ماه بعد...





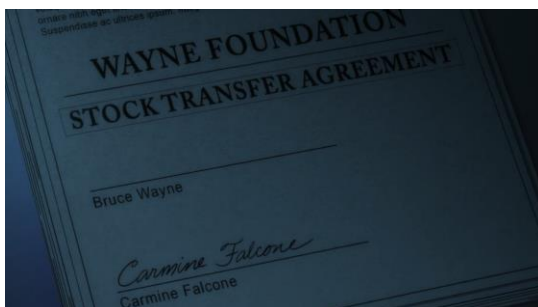
آیوی زهرآگین: پسر خوبی بودی، بنیاد وین بار خیلی سنگینی روی دوش تو بود...



آیوی زهرآگین: و تو کار درستی کردی که اون رو به آقای فالكونی واگذار کردی...

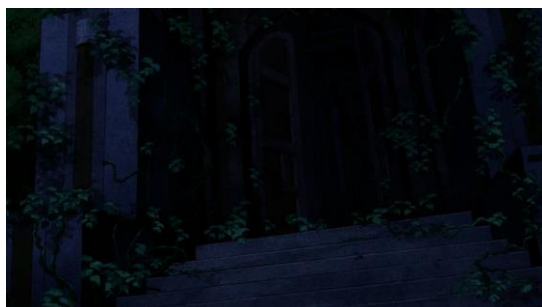


آیوی زهرآگین: حالا نوبت شرکت وینه!

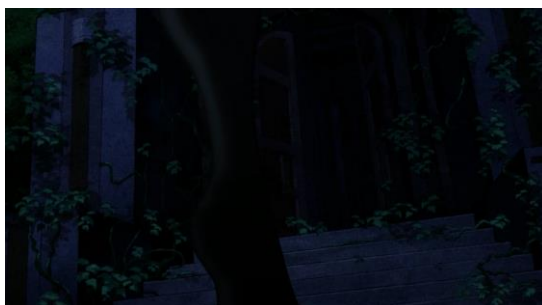




آیوی زهرآگین: یه امضای خوشگل دیگه، و بعدش منو خشنود کردی...



آیوی زهرآگین: زودباش بروس!





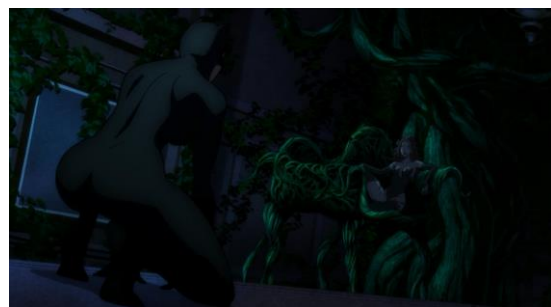
هوووووووو



زن گربه‌ای: حدس می‌زدم...



زن گربه‌ای: پس تو پشت این معامله‌های کلون فالكونی هستی!

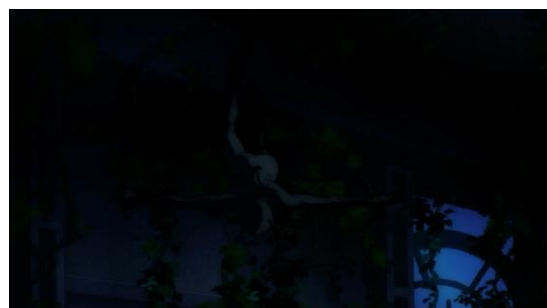
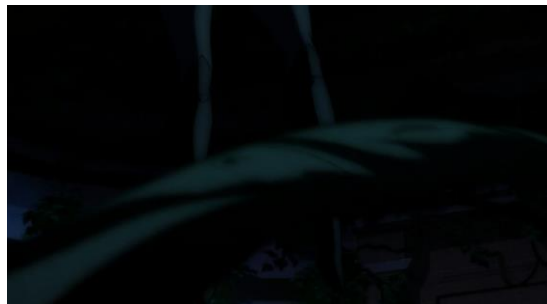


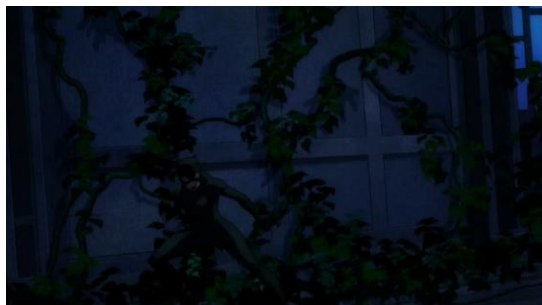
زن گربه‌ای: وین رو آزاد کن، وگرنه...



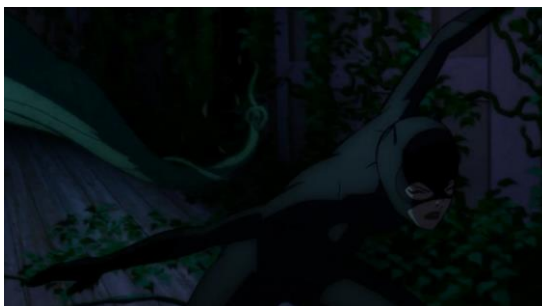


زن گربه‌ای: واوا!





زن گریه‌ای: زدن من آسون نیست...



تلق

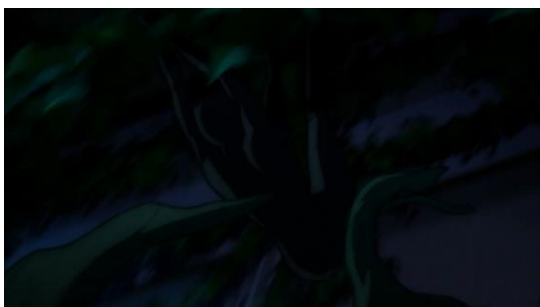


شتلق











تلق

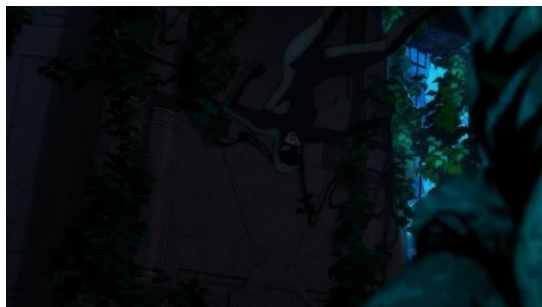


زن گربه‌ای: می کشمت!

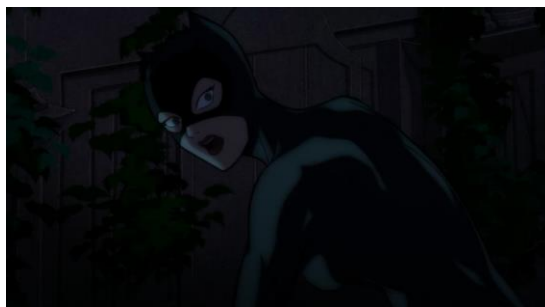
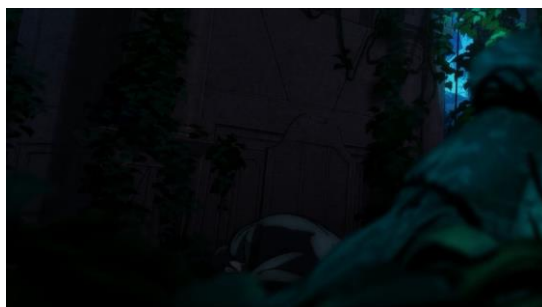




هوووج

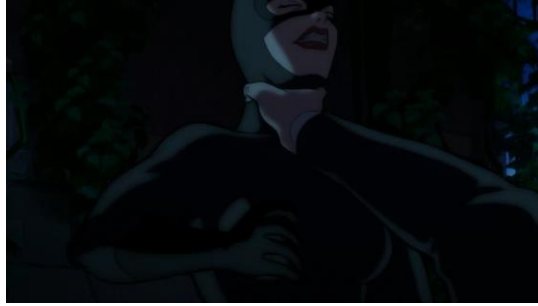


تلق



زن گربه‌ای: بروس، من می‌خوام بهت کمک کنم...







زن گربه‌ای: بروس... آیوی... داره کنترلت... می کنه... باهاش بجنگ...



بروس وین: خفه شو!



زن گربه‌ای: پس مجبورم...



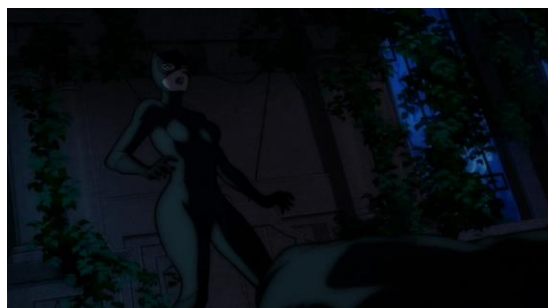
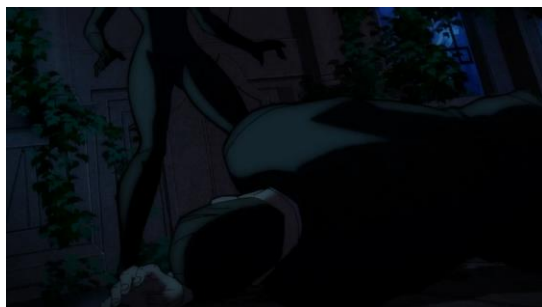
خرررررچ



بروس وين: آخ!







آیوی زهرآگین: تو به خاطر این فضولیت...



آیوی زهرآگین: باید بمیری!





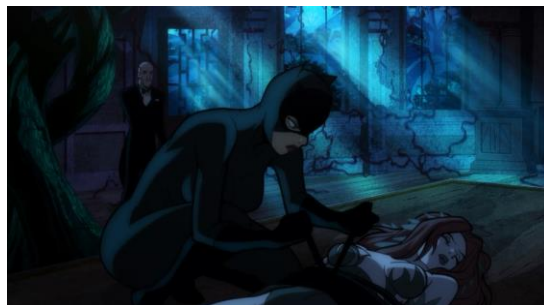


شتلق

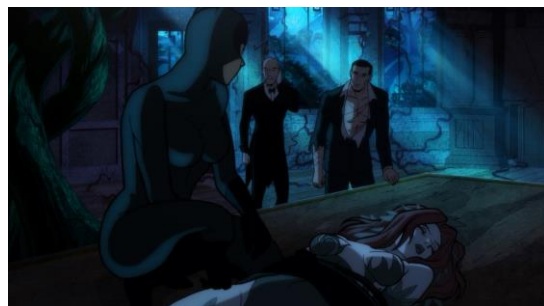








بروس وین: از کجا متوجه شدی؟!



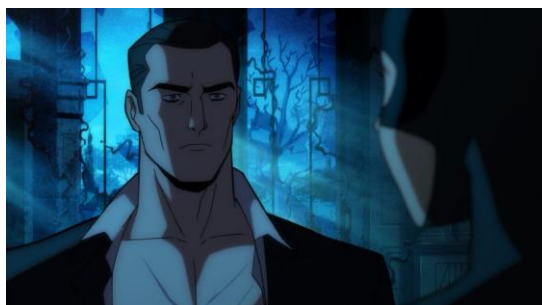
زن گربه‌ای: برای کسی که می‌دونه بروس وین، بتمنه، خیلی تعجب‌آورده که ببینه داره...



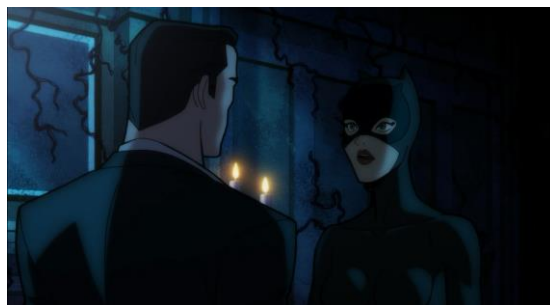
زن گربه‌ای: تمام شرکت و داراییش رو به نفع فالكونی تسلیم می‌کنه!



آلفرد پنیورث: الان به وکلاتون و همین‌طور به پلیس زنگ می‌زنم...



زن گربه‌ای: پلیس به زودی میرسه، هر چی یادت میاد رو بهشون بگو...



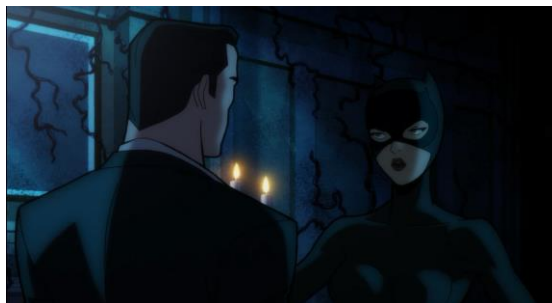
زن گربه‌ای: بعدم برو بخواب، از فردا روزای پرکاری پیش رو داری..



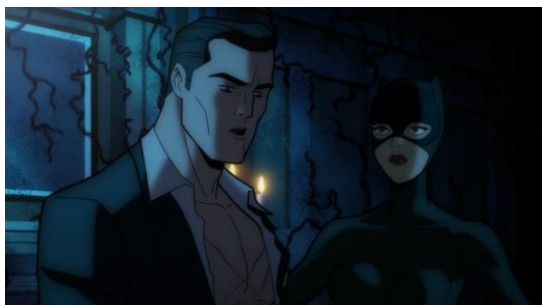
زن گربه‌ای: ممکن هم هست که نتونی از پششون به تنهایی بر بیای...



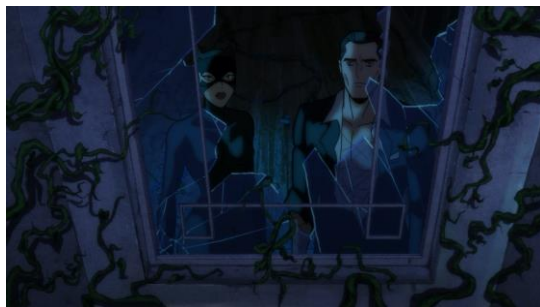
بروس وین: فکر می‌کردم قطع رابطه کردیم...



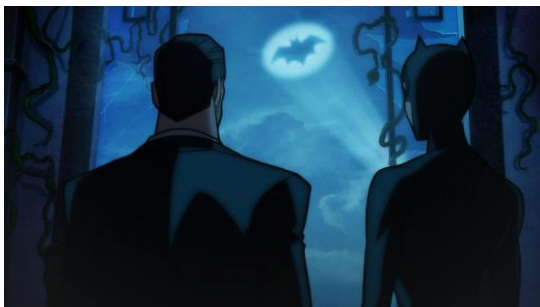
زن گربه‌ای: سه ماه گذشته و تو هنوز داری به حرفای اون شب فکر می‌کنی؟!



بروس وین: سه ماه؟!



زن گربه‌ای: یه کم سخت بود، بدون اینکه آیوی بفهمه موقعیت وارد شدن به عمارت رو گیر بیارم...

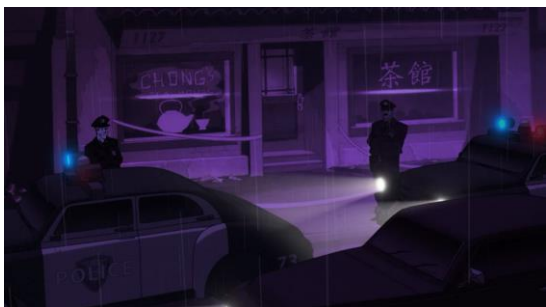
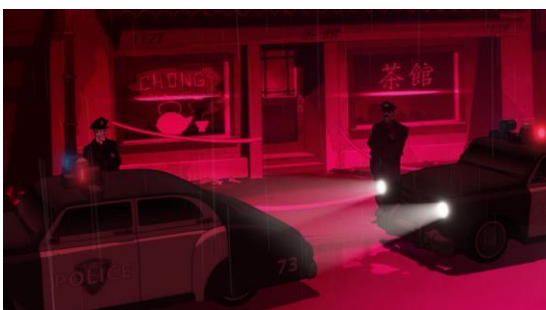
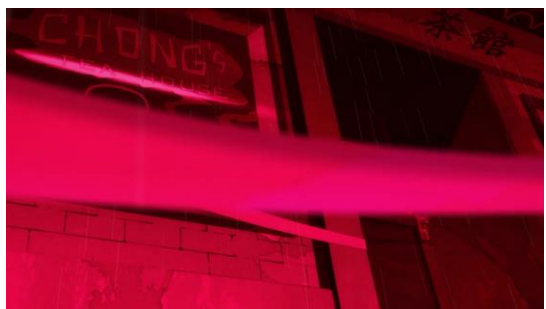


بروس وین: و قاتل تعطیلات؟



زن گربه‌ای: هنوز داره به کارش ادامه میده...







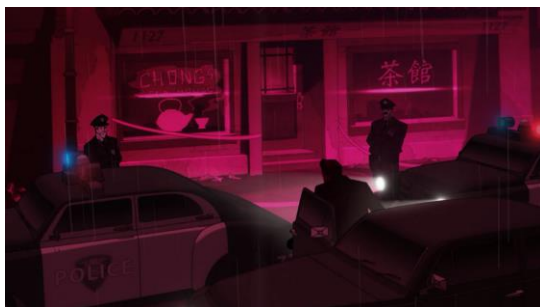
هاروی دنت: متاسفم که نشد بریم سینما، راستش این مربوط به قاتل تعطیلاته، وگرنه...

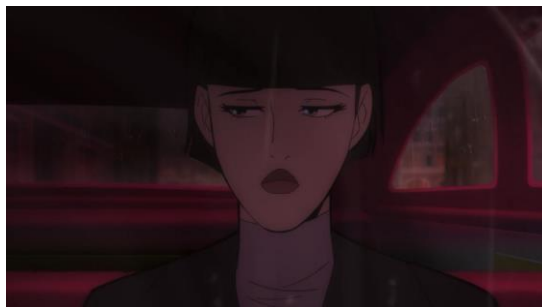


گیلدا دنت: امیدوارم بتونین بگیرینش!



هاروی دنت: مرسی که درک می کنی...





هاروی دنت: خدای من!





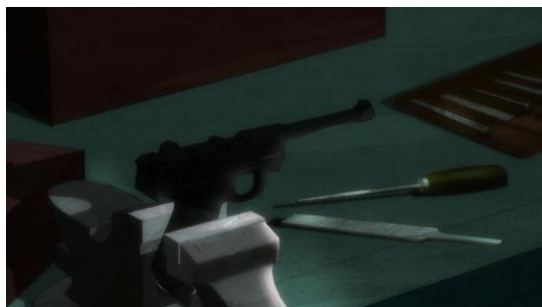
هاروی دنت: پس حدسم درست بود!



هاروی دنت: جیم!



جیمز گوردون: تو درست می گفتی...



جیمز گوردون: چانگ برای قاتل تعطیلات اسلحه تهیه می کرده. حالا اون رو حذف کرد...





هاروی دنت: کاش یه کم به حرف من گوش می کردی...



هاروی دنت: این نشون میده که قاتل، داره به آخر کارش نزدیک میشه، برای همین ردش رو پاک می کنه!



جیمز گوردون: این یعنی که ما فرصت کافی نداریم...

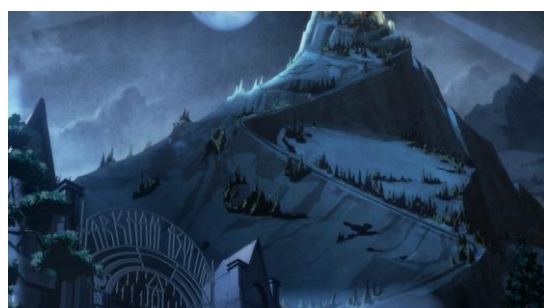




هاروی دنت: هنوز از بتمن خبری نشده؟!



مامور آرکهام: همگی آماده باش! یه زندانی فرار کرده...



مامور آرکهام: تکرار می‌کنم، جاناتان کرین معروف به مترسک فرار کرده...



مامور آرکهام: تمام محوطه رو پوشش بدید!



هییههههه







ترق

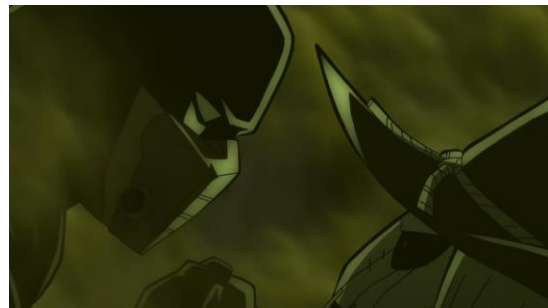




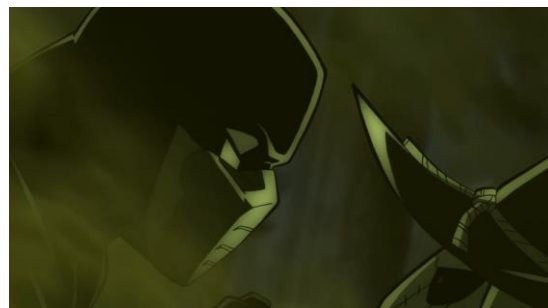
بتمن: کارماین فالکونی تو رو هم مثل آیوی فراری داد؟!!



شپیپف



بتمن: کی تو رو از آرکھام فراری داد؟







مترسک: هاهاهاها



بتمن: نه... نه...

DC DELUXE

BATMAN

THE LONG HALLOWEEN

JEPH LOEB TIM SALE

